



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

۱۳۰۰

سیر فرهنگ ایران در پستی و بلندی

یا

تاریخ دو سئ سال مطالعات ایرانی

تألیف

دکتر ابوالقاسم طاهری

سِتْرَاغَاغَه

بنام خداوند جان آفرین

باعرض سپاس فراوان بدرگاه پروردگار بزرگ و درود بی اندازه بر پوسین

سینمیران حضرت محمد مصطفی (ص) در سایه عنایات همیشگی ~~عظیمت~~ ~~عظیمت~~

~~محمد شاه بهلولی شاهنامه ایرانی~~ کتاب "سیر فرهنگ ایران در بریتانیا" و یا

"تاریخ دو بیست ساله مطالعات ایرانی" به معرض انتشار و استفاده علاقه مندان

گذارده میشود.

اهمیت خاورشناسی بوئیره رشته ایران شناسی در جهان فرهنگ چندبزار

ساله مرزوبوم مسین عزیز کهن سال با بردانش ثروبان پوشیده نیست خوانندگان

ارجبت میداند که در سده های اخیر گروهی از فرزندان مغرب زمین در راه این خدمت

شریف کمر همت بسته نشأ بسیاری آثار ارزنده در این زمینه شده اند و بسیاری از

ایشان مقام و منزلت فرهنگ صیل و جنبه های معنوی ایران زمین را نیکو شناخته

و حق آنرا داده و پاس حرمتش را بخوبی داشته اند.

اینک جای خوشوقتی فراوانست که دانشمند و مترجم گرامی آقای دکتر ابوالقاسم طاهری با استفاده از فرصت و موقع ویژه خود پیشگام تالیفی بسیار ارزنده در این باب شده و بخشی از تاریخ اینگونه پژوهشهای ارزنده و گرانقدر را گرد آورده و تدوین نموده اند.

(۱) از طرف مقامات دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی روسیه مجموعه‌ای زیر عنوان

Fi Fifty years of Soviet Oriental Studies, Brief Reviews 1917 - 1967

no Moscow, 1968

مشتمل بر ۲۷ جزوه فهرست پژوهشها و مقالات دانشمندان آنجا درباره مطالب مختلف فرہنگ و تاریخ مشرق زمین چاپ و منتشر گردیده است، شورای فرهنگی بریتانیا در ایران نیز بنا سبب بر گزار می‌جشنهای دو هزار و پانصدین سال شاهنشاهی ایران نمایشگاهی ترتیب داد و نشریاتی بزرگانهای فارسی و انگلیسی زیر عنوان سهم بریتانیا در مطالعات ایران شناسی چاپ کرده است. منتشر نمود که طبعاً با هدف کتاب حاضر مطابقت دارد ولی بشرحی که گذشت و نشریه مذکور و نظراً آن از طرف دانشمندان شورای دیگر تهیه و تالیف شده است و آنچه ایرانیان در این باره انجام داده و بدین کیفیت ویریه خواهد داشت.

در کتاب حاضر به‌مانطور که از نام آن بر می‌آید پیشینه‌ی علاقه و پیوستگی دانشمندان سرزمین انگلستان با تاریخ و ادب و فرهنگ ایران از دیرباز مذکور افتاده است. مؤلف ارجمند کتاب چگونه خدمات ارزنده‌ای را که در این باره انجام گرفته توأم با شرح احوال هر یک از دانشمندان طی بیت و یک فصل بایرگزیدن عنوانهای مبکرانه و لفظین بصورتی بس شیوا و محققانه و به کیفیت شیرین و دلچسب بازگو کرده و بر کجا هم نکته‌آنها آمیزی در باره هر یک از دانشمندان بنظر رسیده است یا آورنده با بررسی مطالب مندرج در کتاب شخصیت‌های متعدد که برای دانش پژوهان ایرانی و دستداران فرهنگ ایران دارای مقامی ارجمند هستند بهتر و بیشتر شناخته شوند و از درجه اہمیت کار و قدر و قیمت خدمت آنان به یادگارهای معنوی این سربزین آگاهی افزونتر بدست می‌آید.

کوششی که در تالیف این کتاب بکار رفته است علاوه بر ضبط و یادآوری خدمات سابق الذکر نوعی ارج گذاری و قدر شناسی نسبت به کسانی توانمند بود که زندگی و همت خود را در یافتن عمق اندیشه و فرهنگ ریشه دار ایران مصروف داشته اند و به پدیده‌های سطحی و زودگذر که بفراتر پیش آمد زمانه در سرگذشت هر کشور و هر قوم پیش می‌آید بسنده نگذاشته

اشاره به نمونه های نفائس بنز ایرانی در موزه های بریتانیا و کاوشهای اخیر
باستان شناسان آن سرزمین در ایران (موضوع فصل ۲۱ یعنی اسپین فصل کتاب)
چشمگیری از پیوستگی و علاقه دو ستاران فرہنگ و تاریخ و بنز در انگلستان با
مطابره ذوق و فریخه دیرین مردم کشور ما معلوم میدارد و در عین حال نکته ای قابل توجه را
بنظرمی آورد.

توضیح امر آنکه اگر در روزگار ان پیشین جس فرہنگ دوستی و دلگیری به تاریخ و
و ادب آثار گذشته ایران بر حسب ذوق و حال و مجال شخصیت های علاقه مند
غالباً به شیوہ انفرادی پدیدار و منشأ خدماتی واقع می گشت؛ در دوران کنونی که سطح دانش
جهان بوضع شکر فکرتش می یابد و بطور روز افزون بالا و بالاتر میرود و مؤسسات
کوناگون همچون مؤسسه ایران شناسی انجمن فرہنگی ایران و فرانسه و مؤسسه ایتالیائی
خاور نزدیک و خاور دور (I. S. M. E. O.) و مؤسسه بریتانیا مطالعات

ایرانی و مؤسسه باستان شناسی ایران المان و مؤسسات علمی و فرہنگی فراوان در
کشور اتحاد جماہیر شوروی و مؤسسه امریکائی مطالعات ایرانی و نظائر آن با سازمانها
گسترده و وسیع و بہتہای علمی مجتہد در اجرای اینگونه خدمات گاہی بلندتر بر میدارند

و کارهای اساسی ہمتہ انجام میدہند، دستگاہ فرہنگ و بنز ایران ہم بہ تاسیس
سازمانہا و مؤسسات مربوط بہ حفظ و پاسداری میراث فرہنگی میہن عزیز و از جملہ مرکز پژوهشہا
و کاوشہای باستان شناسی و تاریخ بنز ایران مبادرت ورزیدہ اند کہ پانچ کومی چنین
فعالیتہا و کارہای ارزندہ علمی و معنوی باشد و با گذاردن جوانان دانشمند پر شور
و کارشناسان علاقه مند و با اخلاص بہ معنویات سرزمین نیاکان کشتش و کوشش
این دستہ ایراندوستان عزیز را بہتر و بہتر بشمرسانند.

امیدوار است دیگر فرزندان برومند ایران نیز کہ همانند مؤلفارجمند این کتاب
سالہائی از عمر گرامنایہ خود را در سایر کشورہای فرہنگ پرور مغرب زمین بانجام خداتما
ارزندہ در راه فرہنگ ادب میہن خویش مصروف داشتہ و بچنین کوششہای قابل
ستایش پرداختہ و می پردازند منشأ آثاری کہ مربوط بہ محیط کار و فعالیتہایشان باشد
بشوند و شیفگان دانش را از حاصل پژوهشہای خود در این زمینہ پیش از پیش سپاسگزار
و خشنود سازند.

برای انجمن آثار ملی جای شکرگزاری و خرسندی کامل است کہ بابت سر
گذشتن نچاہمین سال تاسیس و فعالیت خویش شاہد چنین ببط و توسعہ خدمات

مربوط به یادگارها و مفاخر تاریخی و ملی ایران باشد و کتاب حاضر را بعنوان صدین
نشریه خود به محضر ارباب دانش و بصیرت عرضه نماید.

از پروردگار بزرگ پیشرفت روزافزون معنوی و مادی مهین خود و توفیق و کمال

بر چه پیشتر دستداران و خادمان علمی و واقعی پدیا و ناپیدای آنرا مسئلت دارد

بمشارکت
انجمن آثار ملی

پیشگفتار

در این کتاب از سیرو تحول دو بیست ساله فرهنگ ، هنر و مظاهر
ذوقی قوم ایرانی در جزایر بریتانیا سخن می رود. با آن که پای انگلیسی
زبانان از سده دهم هجری قمری رفته رفته به کشور ما باز شد آغاز آشنائی
دانشمندان آن قوم را با علوم و حکمت ایرانی که بخش مهمی از فرهنگ
بزرگ جهان اسلامی شمرده می شود بایستی در نیمه سده پنجم هجری
جستجو کرد. چنان که خوانندگان گرامی در خلال سطور نخستین فصل
این کتاب خواهند دید با گردانیدن متن های علمی ز بر مردانی چون محمد
زکریای رازی ، فارابی ، محمد غزالی و بوعلی سینا از دوزبان تازی و
پارسی به لاتین ، تدریجاً علمای قوم انگلیس با رشته های پزشکی ، ریاضی
و الهیات خاورزمین آشنا شدند و سپس اندک اندک با نوشته های
جهانگردانی که در خلال سده های ششم و هفتم هجری از ایران دیدن
کردند آن پیوند نیرو گرفت. از سوی دیگر پیدایش نیروی دریائی
زورمندی پای ملوانان دلیر و ماجراجویان آزمند انگلیسی را به کرانه های
هند و خلیج فارس باز کرد: و انگیزه سودجویی و بهره کشی از
هندوستان ، حکمفرمایان انگلیسی آن سامان را به اهمیت فرا گرفتن زبان
فارسی راغب ساخت. همزمان با این جریان ، یا اندکی پس از آن ،
برادران گریوز (Greaves) که از نخستین فارسی دانهای سده هفدهم
میلادی (برابر سده یازدهم ه . ق .) در حوزه علمی کمبریج بودند
همت به ترجمه کتابهایی در زمینه ادبیات ، علوم ریاضی و اخترشناسی از
فارسی به انگلیسی گماشتند.

بدنبال کوششهای برادران گریوز و انتشار ترجمه های آن دو تن دانشمند، دو عامل مهم دیگر که پیدایش شرکت هند شرقی و رشد انجمن نوین یادآسیائی بنگالۀ باشد راه را از برای ترویج زبان و ادبیات فارسی در بریتانیا و در میان پاره‌ای از افسران نخبه انگلیسی در هندوستان هموار ساخت. در حدود هفتادسال پس از انتشار ترجمه‌های برادران گریوز یکی از استادان ارجمند دانشگاه آگسفورده که نام‌س‌هایس (Thomas Hyde) نام داشت به‌سال ۱۷۶۰ میلادی (برابر با ۱۱۷۴ ه.ق.) کتابی به زبان لاتینی منتشر ساخت که در واقع نقطه عطفی در تاریخ مطالعات ایرانی بشمار می‌آید. به‌همین سبب در کتاب حاضر، مؤلف پس از نشان دادن پیشینه سیر فرهنگ ایران در بریتانیا کوشیده است تا تحقیقات خاورشناسان انگلیسی را از تاریخ انتشار کتاب تاریخ ادیان باستانی ایران تا به امروز که اندکی فزونتر از دو‌یست‌سال است برشمرد و از خدمات ارزنده‌ای که نسبت به تاریخ و فرهنگ قوم ایرانی ایفا شده است، و لو فهرست‌وار یاد کند.

داستان سیر فرهنگ ایران در بریتانیا که مؤلف از دیرباز به تالیف آن کمر بسته بوده است تاریخ پرفراز و نشیبی است که تاکنون مورد توجه هیچ یک از محققان ایرانی و انگلیسی قرار نگرفته است و آنچه اکنون این مؤلف بر خوانندگان عرضه می‌کند مسلماً خالی از نقص نیست. هر چه باشد این اثر را باید نخستین گام درین زمینه و فقط راهنمایی از مطالعات دو‌یست‌ساله ایرانی در بریتانیا دانست. اقامت نسبتاً دراز مؤلف در میان قوم انگلیس، دست یافتن به پاره‌ای از اطلاعات مغتنم به‌هنگام پژوهش در باره دیگر مسائل، الفت نزدیک مؤلف با گروهی از خاورشناسان که در این کتاب از آنها یاد شده، آشنائی وی با بیشتر مراکز فرهنگی و موزه‌ها و بالاخره عضویتش در انجمن خاورشناسی بریتانیا،

انجمن شاهی آسیائی و انجمن جغرافیائی لندن، همه این توفیق زار فقی و وی ساخت که گستاخانه در این راه پیشگام گردد و از مجموع اطلاعات گرد آورده کتابی فراهم سازد.

روش مؤلف در نشان دادن سیر فرهنگ ایران در بریتانیا طی دو سده اخیر تا بالاترین درجه امکان پرهیز از حاشیه روی بوده؛ و از ترس آن که مبادا خواننده را ملالت‌افزاید بسیاری از مطالب را بطور خلاصه و موجز بیان کرده است، اما هر جا برای مزید آگاهی علاقه‌مندان ذکر مراجع و مآخذ مفصل‌تری ضرورت داشته است آن‌ها را در حواشی نقل کرده است. کلید این گونه حواشی و تعلیقات شماره‌هائی است که در کنار آنها علامت ستاره‌ای به چاپ رسیده است. در این گونه موارد خواننده باید برای کسب اطلاع به توضیحات و منابع که در آخر هر فصلی جداگانه به چاپ رسیده است رجوع کند و چون در هر فصلی منابع آن فصل قید گردیده است برای احتراز از تکرار، در کتابنامه فقط به‌گزیده‌ای از مآخذ بسنده کرده‌ایم.

طرح اصلی این کتاب که در سال ۱۳۴۷ خورشیدی ریخته شده بود فقط مشتمل بر هفده فصل بود که ده فصل آن تا فروردین سال ۱۳۴۹ آماده شد، اما بیماری ناگهانی و درازمدت مؤلف، یکسال و اندی تکمیل آن کار را به تعویق افکند تا آن که بیماری پروردگار در فروردین ۱۳۵۲ با افزودن چهار فصل دیگر درباره هنرشناسی و کاوشهای باستان‌شناسان انگلیسی در ایران به صورتی که اینک تقدیم خوانندگان می‌شود پایان آمد. چاپ و انتشار این اثر در درجه نخست مرهون عنایت اولیای فرهنگ پروران انجمن آثار ملی به‌ویژه نیمسار فرج‌الله آق‌اولی است که دین‌بزرگی برگردن مؤلف دارند، از راهنمایی‌های آقای سید محمد تقی مصطفوی نیز کمال تشکر را دارم. دیگر آن که از راهنمایی‌های بیدریغ

متصدیان موزه های بریتانیا British Museum ، ویکتوریا و آلبرت ،
 Victoria and Albert ، کلکسیون چستر بییتی Chester Beatty collection
 در ایرلند جنوبی ، کتابخانه دیوان هند ، و نیز از کمک های دوستان و
 استادانم در دارام و آگسفورد (oxford) و بالاخره دانشگاه لندن ، که
 بخشی از مفتنم ترین سالهای عمر را در آن جا گذرانیده ام صمیمانه تشکر
 می کنم . هم چنین از اولیای چاپخانه بهمن و خواهرزاده ام آقای
 محمدرضا گوشه بروردی که در غیاب من رنج تصحیح و مراقبت در
 چاپ این کتاب را برعهده داشته اند سپاسگزارم .

لندن ، ۲۲ شهریور ۱۳۵۲ خورشیدی

فهرست مندرجات کتاب

۱	فصل اول - آغاز پیوند .
۲۳	فصل دوم - ترجمان سخنان خدا .
۳۳	فصل سوم - ویلیام جونز مشهور به جونز ایرانی .
۶۰	فصل چهارم - ویلیام اوزلی نخستین ترجمان جغرافیا و تاریخ ایران .
۷۳	فصل پنجم - از زیانکاری در سیاست تا کمروائی در تاریخ .
۹۴	فصل ششم - گلبرگهائی از خاک نیشابور .
۱۲۱	فصل هفتم - رازی دردل کوه پرو .
۱۳۵	فصل هشتم - نعمتی خداداد و گنجی بادآورد .
۱۶۰	فصل نهم - رانده ای از بهشت استعمار .
۱۷۱	فصل دهم - رد پای اسکندر .
۱۹۳	فصل یازدهم - به جستجوی حلقه ای مفقود .
۲۲۱	فصل دوازدهم - شمشیر زنی صاحب قلم .
۲۳۷	فصل سیزدهم - عارفی از صحبت رمنده .
۲۵۴	فصل چهاردهم - پژوهشگری افسانه ای .
۲۶۹	فصل پانزدهم - پژواک نغمه پردازی از شیراز .
۲۸۶	فصل شانزدهم - از دانه ای تنگ مایه تا درختی تناور .
۳۱۴	فصل هفدهم - زبان دانای راز .

۳۵۰	فصل هجدهم - در جستجوی میراث گذشته .
۳۸۵	فصل نوزدهم - غوصی در دریای بی‌کران ادبیات ایران .
۴۰۹	فصل بیستم - از پایه‌های زبان تا نقش‌های روی قالی .
۴۵۵	فصل بیست‌ویکم - جام‌جم .
۴۹۱	کتابنامه (۱) فهرست کتابهایی که از آنها در این مجموعه نام برده‌ایم .
۵۰۱	کتابنامه (۲) فهرست پاره‌ای از مهمترین منابع و مراجع این کتاب .
۵۱۵	نام‌نامه

علامات اختصاری که در این کتاب آمده است

- ن . ک . به - نگاه کنید به
- ص - صفحه
- خ - خورشیدی
- ه . ق . - هجری قمری
- م . - میلادی
- VOLS - مجلدات
- P - صفحه
- PP - صفحات
- B.S.O.A.S. - مجله دانشکده مطالعات آسیائی و افریقائی لندن
- G.J. - مجله جغرافیائی
- J.R.G.S. - مجله یا ژورنال انجمن شاعری جغرافیائی لندن
- R.A.S. - انجمن شاهی آسیائی لندن
- O.U.P. - چاپخانه یا بنگاه انتشارات دانشگاه اکسفورد
- J.A.S. of Bengal - مجله انجمن آسیائی بنگاله
- Add یا OR - پیشاوند شماره کتابهای دست‌نویس موزه بریتانیا

فصل اول

آغاز پیوند

خاورشناسی در سده هجدهم - سرچشمه نفوذ فرهنگ خاورزمین
در اروپا پیشگامان - خاورشناسی در بریتانیا - ترجمه آثار علمی دانشمندان
ایران - نخستین رابطه میان شرق و غرب - اثر جنگهای صلیبی -
نخستین فارسی‌دانه‌های سده هفدهم - علل رغبت به ادبیات ایران - تأسیس
مطالعات خاوری در انگلستان .

www.KetabFarsi.com

دیگر رشته‌های علوم از آن جمله باستان‌شناسان، مردم‌شناسان، واژه‌شناسان، متخصصان زبان‌ها و لهجه‌ها، پرنده‌شناسان، جانورشناسان، مورخان، موسیقی‌دانان، آئین‌شناسان و فلاسفه، همگی آن مرزها را می‌شناسند و با خاورشناسان در تمام جنبه‌های پژوهشی همکاری میکنند. بدین‌سان در خلال کمتر از دو‌یست‌سال خاورشناسی علمی شده است در خورستایش و احترام؛ در طی دو‌یست‌سال نهال کوچکی که در آغاز از راه ناچاری در خاک اروپا نشانده شده بود درخت برومندی شده‌است که شاخه‌های بیشمار دارد و هر شاخه‌ای از آن دوره‌ای تخصصی است که فراگرفتن رموز و رسیدن به درجه اجتهاد در آن رشته عمری دراز و شکیبائی فراوان می‌خواهد.

اما برای شناخت سرچشمه نفوذ فرهنگ ملت‌های خاورزمین در میان مردمان اروپا باید به نیمه دوم سده پنجم و آغاز سده ششم هجری (سده دوازدهم میلادی) بازگردیم. در آن هنگام بود که سیلی از اطلاعات و علوم اسلامی و همچنین ترجمه‌ای از آراء حکمای یونان توسط دانشمندان عیسوی و یهودی از راه سیسیل و اسپانیا روانه اروپا گردید. کلیساکه همیشه در اروپا نهضت‌های بزرگ را تشویق و رهبری میکرد بی‌گفتگو درین راه نیز پیشگام بود. بنا بر این نخستین کسانی که برای برقرارساختن رابطه‌ای میان شرق و غرب کوشا شدند رهبانان و کشیشانی بودند که در چهار دیواری دبر و کلیسا فراگرفتن رموز زبان عربی را وجهه همت خویش ساختند. این‌گونه روحانیون غیور بکمک یهودیان دانشمندان و باذوق که پیوند میان خاور و باختر بودند آراء حکمای یونان را که به

شاید روزگاری تعریف واژه خاورشناسی در مغرب‌زمین آسان می‌بود و اگر یکی را به لقب خاورشناس مفتخر می‌ساختند همه کس، یا به سخن دیگر کسانی که با علم و معرفت سروکار داشتند بخوبی میدانستند که آن دانش پژوه سرگرم تحقیق در کدام رشته ازدانش‌بشری است و ثمره پژوهش‌هایش گره از کدام مشکل انسان متمدن می‌گشاید. بایشرفت علوم و صنایع در صد سال اخیر و به ویژه سی سال گذشته رشته خاورشناسی نیز مانند بسیاری دیگر از رشته‌های دانش‌بشری بشری دچار دگرگونی‌هایی شگرف گردیده است. در آغاز سده هجدهم میلادی معمولاً خاورشناس به کسی اطلاق می‌شد که از دستور زبان، ادبیات، تاریخ، هنرهای زیبا، حکمت، دین، عادات و آداب یکی از اقوام مشرق‌زمینی آگاهی داشته باشد. اینک با گذشت نزدیک به دو سده، هر کدام از رشته‌هایی که بر شمریم خود به شاخه‌های گوناگون بخش و هر رشته کوچکی خود جداگانه خاورشناس را به پژوهش‌های بزرگی رهنمون شده است.

اکنون خاورشناسی مرزهای دقیق و روشنی دارد و پژوهشگران

عربی ترجمه شده بود به زبان لاتین برگردانند و حکمت ارسطو را زنده ساختند .

در نیمه دوم سده یازدهم میلادی (حدود ۴۵۲ هـ . ق .) یکی از پیشگامان عالم خاورشناسی کنستانتین^۱ مشهور به آفریقائی کتاب-التجارب محمد زکریای رازی، پزشک ارجمند ایرانی را بزبان لاتین برگردانید؛ ویی گفتگوا این امر یکی از نخستین گامهایی بود که در راه نزدیک ساختن دوفرهنگ خاور و باختر برداشته شد. به دنبال کنستانتین آفریقائی دانشمندان دیگری رنج برگردانیدن پاره‌ای از کتابهای بوعلی سینا، امام محمد غزالی، فارابی و خوارزمی را بر خود هموار کردند . در میان دانشمندانی که از خاک انگلیس برخاسته و کمک به بنیاد خاورشناسی کرده‌اند نامهایی چون رابرت اهل چستر^۲، ادلار اهل باث^۳، راجر بیکن اهل ویلز^۴ و یوحنا اسکاتلندی^۵ چون اختران تابناکی میدرخشد . رابرت اهل چستر مردم اروپای سده‌های میانه را باریاضیات خاورزمین آشنا ساخت . هم او بود که در نیمه سده دوازدهم میلادی (حدود سال ۵۴۴ هجری) جدولهای نجومی البتانی و الزرقلی را اقتباس کرد و در دسترس ریاضی دانان مغرب قرار داد ؛ مثلثات اسلامی را به انگلستان برد ؛ و واژه سینوس را از خود به یادگار نهاد . ادلار که او نیز زاده خاک انگلیس بود ، بنابر اطلاعاتی که در دست داریم ، در چندین کشور اسلامی از فرهنگ عرب و ایرانی بهره گرفت اما خدمتی که دوتن

1 - Constantin 2 - Robert Of Chester
3 - Adelard Of Bath 4 - Roger Bacon
5 - John Duns Scotus

دیگر از دانشمندان یادشده :

راجر بیکن و یوحنا اسکاتلندی درین زمینه نمودند از نظر چندی و چونی بمراتب بر زحمات رابرت اهل چستر و ادلار اهل باث فزونی میگیرد . * (۱)

راجر بیکن که ظاهراً به سال ۱۲۱۴ میلادی (۶۱۱ هـ . ق .) در سرزمین ویلز واقع در مغرب انگلستان چشم به جهان گشود یکی از بنیادگذاران کرسی تدریس زبانهای شرقی در دانشگاههای قرون وسطایی است و چون خودش زبان عربی را فرا گرفته و به دوزبان عبرانی و یونانی آگاه بود در ایجاد رشته‌هایی برای تدریس چهار زبان عربی ، عبرانی ، یونانی و کلدانی کوشید و امیدوار بود که از چهار دیواری دانشگاههای انگلیس دانشمندانی برخیزند که در زبان عربی و حکمت اسلامی احاطه کامل داشته باشند . از شگفتی‌های روزگار آن که در همان عهد از خاک اسکاتلند مردی سر بلند کرد که در اثناء کمتر از نیم سده پیروان فرقه نیر و عنند و متعصب دومی نیکی^۱ وی را مظهر پیروزی حکمت دانشمندان جهان اسلامی بر فلسفه عیسوی می‌دیدند . یوحنا اسکاتلندی که ویرا در میان فلاسفه عیسوی سده‌های میانه جهان دانس اسکوتوس^۲ خوانده‌اند از راه فرا گرفتن دوزبان عبری و عربی چنان در مسائل مابعدالطبیعه با آراء بوعلی سینا و در فلسفه وجود با عقاید حکیم یهودی این گوی پرول آشنا گردید که وی را زبان گویای پورسینا و آن فیلسوف ارجمند یهودی در مغرب زمین دانسته‌اند .

از این چهار تن انگلیسی که بگذریم برخی از دانشمندان، به‌ویژه

1 - Dominican

2 - John Duns Scotus

یکی دو تن از یهودیان اسپانیا در تاریخ خاورشناسی مقامی بس شامخ دارند. موسی فرزند طیبون از یهودیان آن سرزمین که در صفحات جنوبی فرانسه مقام گزیده بود طی سالیانی دراز باشکیبائی کم مانندی قانون بوعلی و کتاب تریاق زکریای رازی و اصول هندسی اقلیدس و سه کتاب از آثار گرانیهای ابن میمون، و تفاسیر کوتاهی را که ابن رشد بر فلسفه ارسطو نگاشته است از عربی به لاتین برگردانید. نواده موسی مشهور به یعقوب آناطولی که گویا بسال ۱۱۹۴ م. (۵۹۱ ه. ق.) در شهر ماریسی بدنیا آمده بود به دعوت پادشاه دانش پروری چون فردریک دوم برای تدریس زبان عبری به دانشگاه ناپل رفت و در آنجا بود که تفاسیر مفصل ابن رشد را بر حکمت ارسطو از عربی به عبری برگردانید هم چنین ترجمه کتاب طب منصوروی یکی دیگر از تألیفات بزرگ زکریای رازی بسال ۱۲۶۴ م. (۶۶۳ ه. ق.) بدست طبیب یهودی شم توب در همان شهر ماریسی که پرورشگاه مهم خاورشناسی شده بود صورت گرفت.

از نیمه دوم سده دوازدهم میلادی تدریس طب عبرانی، کتابهای زکریای رازی و زبان یونانی در دانشگاههای معتبر اسپانیا، از آن جمله در پالنسیا^۱ و سالامانکا^۲ معمول گردید، و در نیمه همان سده باکوشش رهبانان فرقه دومینیکی^۳ در گشایش دانشکده‌ای از برای تدریس زبانها و علوم خاوری در شهر تولدو^۴ طلیطله تدریس دو زبان عبری و عربی رسماً در اسپانیا آغاز شد. یکی از مشهورترین کسانی که در دانشکده زبانها و علوم خاوری شهر تولدو تحصیل کرد و بواسطه احاطه اش بر زبان

1 - Palencia

2 - Salamanca

3 - Dominican

4 - Toledo

عربی و آشنائیش با آثار فلاسفه و الهیون اسلامی شهرتی اروپا گیر پیدا کرد ریموند مارتین^۱ نام داشت. این ریموند یکی دیگر از مترجمان مشهور مکتب تولدو را که ژرارده اهل کریمونا^۲ باشد از مبرزترین و پرکارترین مترجمان سده های میانه خوانده اند زیرا این دو و شاید چند تنی دیگر برویهم بیشتر آثار دانشمندان ایرانی و تازی و یونانی را به لاتینی برگردانیدند و اروپا را رهین منت خاورزمین ساختند.* (۲)

ریموند لولی^۳ که گویا در حدود ۱۲۳۲ م. (۶۳۰ ه. ق.) بدنیا آمده و بسال ۱۳۱۵ م. (۷۱۵ ه. ق.) از جهان درگذشت مسلماً یکی از شگفت انگیزترین شخصیت های سده سیزدهم است که تاسیس نخستین دانشکده زبان و ادبیات عربی را در جزیره مایورکا^۴ به وی نسبت داده اند. در سال ۱۳۱۱ م. (۷۱۱ ه.) که شورای بزرگ رهبران دینی دروین^۵ تشکیل گردیده بود وی تنها ناطقی بود که با زبانی آتشین و بلیغ خواستار تاسیس دانشکده های زبان و ادبیات خاورزمینی در اروپا و فرستادن نمایندگان روحانی از اروپا به خاورزمین بمنظور دعوت مردم به دین مسیح گردید. بر اثر کوششهای پیگیر همین ریموند در پنچ مرکز مهم اروپا یعنی دررم، بولونا، پاریس، اگسفورد و سالامانکا یا کرسیهای برای تدریس زبانهای عبری و کلدانی ایجاد شد و با اگر علاقه ای به تدریس این گونه زبانها وجود داشت، کار تدریس آن زبانها توسعه یافت. میزان علاقه شاگردان و دانشمندان هم عصر ریموند را به خاورشناسی از آنجا میتوان قیاس گرفت که در میان نوشته های

1 - Raymond Martin

2 - Gherardo Di Cremona

3 - Raymond Lully

4 - Majorca

5 - Vienne

یکی از معاصرینش سی ژرنام^۱ هیچ صفحه‌ای بدون اشاره به نوشته‌های فارابی، الکندی، ابن سینا، غزالی، ابن رشد و دیگر دانشمندان جهان اسلامی وجود ندارد.

به‌علاوه سفر جهانگردانی چون بنیامین تو دلانی^۲ یهودی اسپانیایی که در ۱۱۷۳ میلادی به مشرق زمین سفر کرد و مارکو پولو^۳ بازرگان و نیزی که در حدود صدسالی پس از بنیامین قدم بر خاک چین نهاد عامل واکنیزه دیگری در ایجاد حس کنجکاوی میان مردم مغرب‌زمین نسبت به فرهنگ و آداب مشرق زمینى ها گردید. مهمتر از همه بروز جنگهای صلیبی بود که نزدیک به دوست سال (از ۱۰۹۵ میلادی تا ۱۲۹۱ میلادی) بدرازا کشید. این درگیریهای درازمدت و شاید بظاهر بیهوده از سرچشمه‌هایی چون پیش تازی ترکان سلجوقی به قلب اروپا، کاسته شدن از نیروی امپراطوری شگرف روم شرقی و رقابتی شدید میان جمهوریهایی مستقلی چون ونیس^۴، ژن^۵ و پیزا^۶ ناشی می‌شد خواه ناخواه در خلال دوسده غربیان را با مشرق زمینی‌ها نزدیک‌گردانید و از شگفتی‌های چرخ بازیگر آنکه همین دشمنی‌ها که آتش آن در آغاز، صلح دوجهان عیسوی و مسلمان را تهدید میکرد مایه تحکیم مناسبات و روابط دوستانه و ایجاد تفاهم بیشتری میان شرق و غرب گردید.* (۳)

به عقیده پاره‌ای از مورخان از آنجا که بیشتر صلیبیون مردمانی بی‌سواد و عاری از هر گونه فضل و کمال بودند منطقاً نمیتوانستند هیچگونه

1 - Seger 2 Benjamin Of Tudela 3 - Marco Polo
4 - Venezia 5 - Genova 6 - Pisa

اعتنائی به حکمت و علوم عرب داشته باشند و یا تمدن مشرق‌زمین را ارجی نهد. گرچه حتم است که نفوذ تمدن مشرق بیشتر از ناحیه اسپانیای مسلمان و از طریق یهودیان ساکن سیسیل ناشی گردید با این همه نمی‌توان انکار کرد که جنگهای صلیبی خالی از اثر بوده است. جنگهای یادشده نه تنها در خلال دوست سال دودنیای شرق و غرب را بهم نزدیک ساخت بلکه مایه رواج صنایع مردم مغرب‌زمین، به ویژه ایتالیائیان و ساکنان فلاندر در خاورزمین و وسیله‌ای برای توسعه شهرها و روزهایی طبقه متوسط اروپایی شد و بالاخره پای دعاء عیسوی را بمشرق زمین بازگردانید. مثلاً در خلال نزدیک به یکصد سال از ۱۲۴۶ میلادی تا ۱۳۴۲ میلادی (۶۴۴ هجری تا ۷۴۳ هجری) دست کم هشت بار هیئت‌هایی مرکب از رهبان عیسوی به اشاره پاپ‌های رم متوجه مغولستان و سرزمینهای چین گردید که علت واکنیزه فرستادن نخستین آنها منصرف ساختن مغولان از هجوم بزرگشان به نواحی غربی آسیا و کشورهای اروپای شرقی بود. در پاره‌ای موارد، پاپها یا پادشاهان اروپا میخواستند کاری کنند که هجوم سیل‌آسای سپاهیان مغول صرفاً متوجه کشورهای اسلامی و سبب شکست سپاهیان مسلمان گردد؛ و بالاخره هدف از اعزام پاره‌ای از آن هیئت‌ها ایجاد مناسبات دوستانه با مغولان و تشویق آنها به پذیرش آئین عیسوی بود. نخستین هیئتی که از طرف پاپان بدربار مغولان روان گردید، و تاکنون درباره آن در دیگر تواریخ کراراً سخن گفته شده است به هیئت جان پلانودی کارپی نی^۱ اشتها دارد. این یوحنا مشهور به کارپی نی که هنگام حرکت بسوی چین شصت سال از عمرش میگذشت راهبی از

1 - John Piano di Carpine

فرقه عیسوی فرانسیسکانها بود که با آن کبر سن فاصله میان شهر کیف^۱ و اردوگاه مغولان را در نزدیکی قره قوروم که بالغ بر ۴۵۰۰ کیلومتر میشد فقط در عرض سه ماه پیمود. جان پلانودی کاریبی نی هنگامی به اردوگاه مغولان در قره قوروم رسید که مجمع عمومی مغولان یا بلقظ خودشان قوریل نای سرگرم انتخاب خان جدیدی از برای قوم مغول بود. این سفر راهب فرانسیسکانی نافر جام ماند، بسخن دیگری پس از از هموار ساختن رنج سفری آنسان دراز و دشوار نتیجه ای بدست نیاورد. هیئت بعدی که بدنبال وی روانه دربار مغولان گردید به سفارت ویلیام اهل روبروک^۲ شهرت دارد. مشهور است که ویلیام را سن لوتی^۳ یالوتی مشهور بمقدس، پادشاه فرانسه، برای شفاعت نزد خان مغول فرستاده بود تا اسیران عیسوی را که جان قبل از وی دیده بود آزاد سازد. شاید یادآوری این نکته مفید باشد که ویلیام هرگز آن اسیران را بچشم ندید؛ اما شش ماهی در دربار مغول زیست و یادداشت‌هایی از آن سفر بیجا نهاد. در شرح حال وی می‌خوانیم که ظاهراً زنی فرانسوی را دیده بود بنام پاکت که بهمسری درودگری روسی درآمده بود، وشایان توجه است که روبروکی برای نخستین بار منظر دریای خزر و مسیر دو رودخانه ولگا^۴ و دن^۵ و بسیاری دیگر از ویژگیهای صفحاتی را که امروزه ما آن نواحی را جماهیر جنوبی روسیه میخوانیم وصف میکند.

در حدود چهل سال پس از سفر ویلیام اهل روبروک به تاریخچه سفر راهب دیگری بر میخوریم که وی را یوحنا ی اهل مونته کورونو^۵ خوانده‌اند. یوحنا ی اهل مونته کورونو موافق سندهائی که در

1- Kiev 2- William of Rubruck 3- Volga
4- Don 5- John Di Montecorvino

دست است در هزار و دوست و نود و چهارمیلادی (برابر ۶۹۴ هجری) به پکن رسید و تاهنگام مرگش به سال ۱۳۲۸ میلادی (برابر ۷۲۹ هجری) در آن شهر بساختن دیرهای عیسوی سرگرم بود. میگویند که وی در خلال این سی و چهار سال تقریباً ده هزار نفر از منحرفان نسطوری را دوباره به آئین عیسویت برگردانید و به ایشان فرمود کیشی آموخت. یوحنا ی اهل مونته کورونو همان کسی است که به فرمان پاپ اعظم، اسقف خان بالغ و بطریق خاور زمین شد، به سخن دیگری به پیشوائی روحانی سرزمین‌هایی که از بیابانهای قبیچاق آغاز و بدشتهای ختای ممتد می‌شد نائل آمد.* (۴)

از آن چه تاکنون گفته‌ایم میتوان چنین نتیجه گرفت که روی پمرفته جنگهای صلیبی عامل دیگری بود که علاقه هر چند محدود غربیان را به ایجاد رابطه با کشورهای آسیائی و فرا گرفتن اطلاعاتی درباره فرهنگ و تمدن مردم مشرق زمین تشدید کرد، و مظاهر گوناگون همین علاقه و اشتیاق است که از اواخر سده سیزدهم تا آغاز سده هفدهم میلادی به شکل‌های متفاوتی تجلی کرده است اما از پایان سده شانزدهم و نیمه اول سده هفدهم میلادی است که دیباچه خاورشناسی بویژه در انگلستان رقم میخورد. شایان توجه است که در ۱۶۳۲ میلادی (۱۰۴۲ ه. ش) یعنی فقط پنج سالی پس از آن که توماس هربرت^۱ جهانگرد مشهور انگلیسی در اصفهان به حضور شاه عباس بزرگ بار یافته بود برای نخستین بار تدریس زبان عربی به همت دانشمندی عربی دان موسوم به سر توماس آدامز^۲ در دانشگاه کمبریج آغاز گردید.

1- Thomas Herbert 2- Sir Thomas Adams

با اطمینان خاطر میتوان گفت که انگیزه انگلیس‌ها در رغبت به خاورشناسی و تدریس زبانهای شرقی در نخستین گام، سودجویی و بهره‌یابی از هندوستان و این امر صرفاً معلول تصادفی تاریخی بود. انگلیس‌ها در دوران حکمفرمائی زرین الیزابت اول تدریجاً صاحب نیروی دریائی نیرومندی شدند و هم‌چنانکه عرصه دریاها جولانگاه ملوانان دلیر آنها گردید سرزمین‌های بیگانه نیز بر روی شمشیر زنان و ماجراجویان بی‌باک آنها گشاده گشت. دریاوردان آن قوم در آبهای جنوبی اروپا و در پهنه اقیانوس اطلس با رقیبان زورمندی چون اسپانیائیان، پرتغالیان، فرانسویان و هلندیان روبرو گردیدند. بدین سان بود که رقابت برای حکمرانی بر دریای هند و آبهای خلیج فارس مبدل به جنگهای خونین شد.

به هر تقدیر در سال ۱۶۳۶ میلادی (۱۰۴۶ هـ) چهار سال پس از آن که دانشجویان علاقمند در حوزه علمیه کمبریج به فراگرفتن زبان عربی سرگرم بودند در اسقفورد نیز نخستین کرسی تدریس زبان مزبور زیر نظر اسقف دانشمند انگلیسی لود^۱ بوجود آمد. با آن که اسقف لود را از بزرگترین و نخستین عربی‌دانهای انگلستان بشمار آورده‌اند هرگز نباید از خاطر دور داشت که بنیان‌گذار تدریس زبان و ادبیات عربی در انگلیس ویلیام بدول^۲ نام بود که در سده هفدهم میلادی برای نخستین بار قرآن را از عربی به انگلیسی برگردانید و در چنین کار بزرگی، تقریباً یک قرن از جورج سیل^۳ (که بعداً به تفصیل در باره اش سخن

1- Laud 2- William Bedwell
3- George Sale

خواهیم گفت) پیشی جست. ویلیام بدول، که پاره‌ای وی را «پدر مطالعات شرقی در بریتانیا» خوانده‌اند بسال ۱۵۶۱ یا ۱۵۶۲ میلادی (۹۶۹ هـ) دنیا آمد. تاریخ تولد وی قطعی نیست ۵٪ و ما فقط از آن رو حدس می‌زنیم که در چنین سالهائی باید دنیا آمده باشد زیرا که سنگ قبر وی، ویلیام بدول را به هنگام مرگ در پنجم ماه مه ۱۶۳۲ هفتادساله خوانده‌است. در باره زندگی این مرد که بعقیده من پس از ادلارد اف باث^۱ مربی و آموزگار هنری دوم پادشاه مشهور انگلیس، وی را باید نخستین استاد مسلم زبان و ادبیات عربی بحساب آورد به تفصیل چیزی نمی‌دانیم. می‌دانیم که وی در عهد خویش از ریاضی‌دانهای مشهور بود و بواسطه اطلاعات مبسوط ودقت وموشکافی و پیگیری شگفت‌انگیزی که در مسائل تحقیقی داشت از او دعوت شد تا به جمع محققانی که سرگرم ترجمه کتاب مقدس بودند پیوندند. اندکی بعد به ویلیام بدول پیشنهاد شد که در قاموس واژه‌های عربی جستجو کند، وریشه پاره‌ای از واژه‌ها را بیابد. همین پژوهش‌ها بود که اندک اندک وی را به تهیه فهرستی کامل و سپس قاموسی جامع از لغت‌های عربی و بدنبال آن پژوهش‌های کم نظیری در قرآن رهنمون گردید.

در سومین دهه سده هفدهم میلادی که ویلیام بدول از جهان درگذشت و تدریس زبان عربی در انگلستان آغاز گردید هنوز خاورشناسی بمعنای رشته‌ای که امروزه ما آن را می‌شناسیم و یا به معنایی که در اواخر همان سده رواج گرفته بود متداول نبود. چنان که آربری^۲ خاطر نشان ساخته

1- Adeldard of Bath 2- Arberry

است در ۱۶۸۳ میلادی (۱۰۹۵ هـ) عنوان خاورشناس به کسی اطلاق می‌شد که از مریدان کلیسای ارتودوکس یونانی باشد* (۶) و حال آن‌که هشت سال بعد یکی از محققان نامدار عهد موسوم به آنتونی وود^۱ در مورد یکی از دوستان نزدیکش نوشته است که: «سموئیل کلارک^۲ را باید خاورشناس برانده‌ای شمرد.» و از قراین مسلماً چنین فهمیده میشود که آنتونی وود از آن سبب دوست خویش را خاورشناس خوانده بود که وی در سخن گفتن و نوشتن به پاره‌ای از زبانهای خاورزمین تسلط فراوان داشته است. امامعنی واژه خاورشناس یا^۳ از پایان سده هفدهم میلادی تا عهد ما همواره یکسان مانده است و باز گفته آرتوری نزدیک به واسطه سده نوزدهم میلادی که میان صاحبان قلم و اربابان شمشیر در هندوستان بر سر آموزش و پرورش مشاجره‌ای در گرفته بود ظاهراً به آنهایی که از هواخواهان ترویج زبان و ادبیات هندی بودند عنوان خاورشناس اطلاق می‌شد و حال آن‌که با افراد گروه مخالف که سنگ ترویج زبان و ادبیات انگلیسی را به سینه می‌زدند آنکلی سیست‌ها^۴ می‌گفتند. از این رو شاید تا نیم سده واژه خاورشناسی یا^۵ تلویحاً معنای چندانی نداشت و معمولاً به آدمی که خود را انگلیسی ترقیخواه یا ترقیخواه انگلیسی مآب میدانست اطلاق نمی‌شد. بهر تقدیر از حدود اواخر سده نوزدهم و آغاز سده بیستم میلادی است که باز خاورشناسی به معنای آشنائی و تسلط بر زبانها و ادبیات مشرق زمین بکار می‌رود، و دیگر لفظ خاورشناس را کسی توهین نمی‌پندارد.

1- Anthony Wood 2- Samuel Clark
3- Orientalist 4- Anglicists 5- Orientalism

در سال ۱۶۹۱ میلادی (۱۱۰۳ هـ) شاگرد جان بدول که ادوارد پوکاک^۱ نام داشت و بواسطه مطالعات و پژوهشهایش در زبان و ادبیات عربی شهرتی فراوان پیدا کرده بود در گذشت. ادوارد پوکاک به هنگام سفرهای متعددش در کشورهای عربی کتابهای خطی گرانبهای گرد آورد که همه را به کتابخانه بادلیان^۲ اگسفورد پیشکش کرد و به همین سبب وی رایشگام در راه ایجاد کتابخانه مزبور دانسته‌اند. هنگامی که ادوارد پوکاک در اگسفورد تدریس میکرد، در دانشگاه کمبریج دو برادر بودند که آن دو را از نخستین فارسی‌دانهای سده هفدهم بحساب آورده‌اند. جان^۳ و توماس گریوز^۴ هر دو از برانده‌ترین دانشمندان آن قرن‌اند. جان گریوز که در اوان جوانی به تدریس ریاضیات سرگرم بود به مصر و عثمانی سفر کرد. وی نخستین ریاضی‌دان انگلیسی است که دست به اندازه‌گیری هرمهای سه‌گانه مصر زد و شاید اغراق نباشد اگر برادرش توماس گریوز را از پیشگامان تحصیل و تدریس زبان فارسی بدانیم چه مسلماً وی نخستین خاورشناس انگلیسی است که رساله‌هایی در باره ترجمه کتاب مقدس عیسویان به فارسی انتشار داده است. ظاهراً هر دو برادر در ترجمه از زبانهای عربی و فارسی باهم همکاری داشته‌اند و تا با مرز آن چه جان و توماس گریوز در زمینه ادبیات، اخترشناسی و علوم ریاضی از فارسی و عربی به انگلیسی برگردانیده بودند موجود است.

بررغم دشمنی کودکانه مردان نامداری چون مکالی^۵ که تمام

1- Edward Pocoke 2- Bodleiane
3- John 4- Thomas Greavs
5- Macaulay

ادبیات خاور زمین را از لحاظ ارزش برابر با مثنوی کتابهای دانشمندان و فلاسفه روم و یونان نمیدانستند مطالعه در بارهٔ زبانها و ادبیات شرق یا به‌سخن دیگر غوررسی پیرامون ادبیات عربی، فارسی، ترکی، هندی، گجراتی، تمیل، چینی، ژاپنی و سایر زبانهای ساکنان خاور دور آغاز گردید. از راه خواندن عربی و فرا گرفتن رموز ادبیات آن زبان رفته رفته خاورشناسان انگلیسی دریافتند که منبع الهام در میان تمام نویسندگان و شاعران خاور زمین اعتقادهای دینی و مذهبی بوده است منتهی در هر کشوری بر حسب نبوغ جبلی ساکنان آن کشور و بنا بمقتضای آب و هوا و شرایط جغرافیائی و دیگر عوامل، ادبیات شکل و صورت ویژه‌ای یافته است. کم‌کم از طریق غنای زبان عربی و درك قواعد پیچیده عروض آن زبان پاره‌ای از خاورشناسان انگلیسی متوجه ثروت سرشار و گنج شایگان زبان فارسی گردیدند و در سرزمین شاعر پروری که مهد تصوف و زادگاه مزدك، مانی و زرتشت بود به جستجوی نغزترین اشعار سخن سرایان پرداختند تا بجائی که از نظر غنا و ژرفای استعاره‌های عرفانی، ادبیات هیچ ملتی را همتای ادبیات ایران ندیدند* (۷). آنچه در آغاز خاورشناسان را به این حقیقت بارز رهنمون گردید همانندی حماسه‌ایران و یونانیان بود. نژادشناسی و واژه‌شناسی هر دو در کشف این راز نقش مهمی بر عهده داشت زیرا نتیجه پژوهش‌های دانشمندان این عر دو رشته نشان داد که حماسه، میراث مشترك اقوام آریائی نژاد بوده است. پژوهشگرانی که به هنرهای زیبا علاقمند بودند نشان دادند که چطور نبوغ و قریحه شگرف ایرانی در دوران پیش از اسلام نه تنها در معماری و پیکر تراشی بلکه در رشته‌هایی مانند سفالگری،

فلزکاری و زرگری تجلی کرده بود و چسان در دوران اختناق فکری دراز مدتی، همان نبوغ و قریحه در قالب یکی از دلنوازترین و طنین‌دارترین زبانها زیباترین ادبیات جهان را بوجود آورده بود.

بر روی هم دو عامل مهم در این جریان دخالت داشت: یکی وجود کمپانی هند شرقی^۱ و دیگری تأسیس انجمن آسیائی بنگاله بود. در واقع انجمن آسیائی بنگاله که به‌همت سرویلیام جونز^۲ پدیرایران شناسی، در سال ۱۷۸۴ میلادی (۱۱۹۹ هجری) بنیاد نهاده شد خود بطور غیر مستقیم مدیون وجود کمپانی هند شرقی است. بحث درباره این شرکت مشهور که در تکوین پاره‌ای از رویدادهای مهم سیاسی مشرق زمین دست داشته است از حوصلهٔ این فصل بیرون است و این جا به همین اندازه باید بسنده کرد که کمپانی یا شرکت هند شرقی که یکی از نخستین خشت‌های سیاست استعماری بریتانیا بود مولود کشورگشائی‌های عهد ملکه الیزابت اول بود و در واقع اعطای منشوری برای تأسیس چنین شرکتی از طرف آن ملکهٔ مقتدر را یکی از بازپسین رویدادهای مهم آن دوران درخشان از تاریخ انگلستان دانسته‌اند.

مدیران شرکت هند شرقی که در سال ۱۶۰۰ میلادی تأسیس گردیده بود از آغاز متوجه شدند که کارگزاران شرکت بدون دانستن زبان و آشنائی با عادات و معتقدات مردم شرق زمین انجام وظائف خود را دشوار خواهند یافت لذا از نخست مأموران خود را به فرا گرفتن زبانهای مردم خاور زمین تشویق کردند. در دامان همین سازمان و سپس در دستگاه حکومت انگلیسی هندوستان بود که بسیاری از ایران شناسان مشهور گام به‌عرصه

1- East India Co.,

2- Sir William Jones

وجود نهادند. یکی از نخستین اقدامات اصولی شرکت هند شرقی تأسیس دانشکده‌ای در انگلستان برای تدریس زبانهای خاورزمین بود. این دانشکده موسوم به هیلی بوری کالج^۱ در شهرستان هارنفورد^۲ بزودی مهمترین مرکز خاورشناسی و کانون تربیت بهترین عربی و فارسی دانان انگلیس گردید.

نخستین فصلهای تاریخ خاورشناسی و به ویژه ایران شناسی در بریتانیا بدون ذکر نام پاره‌ای از مردان بزرگی که بتشویق و هزینه شرکت هند شرقی و درپرتو قریحه، نبوغ و استعداد ذاتی خویش در فرا گرفتن زبان و ادبیات فارسی تسلط یافتند و از ایران شناسان چیره دست شدند ناقص خواهد بود: مردانی از قبیل فرانسیس گلادوین^۳ (متوفی بسال ۱۸۱۳ میلادی برابر ۱۲۲۹ هـ). نخستین مترجم کتاب گلستان سعدی بزبان انگلیسی که از افسران ارتش در خدمت ارتش بنگاله و از هوا خواهان و دست پروردگان نایب السلطنه هندوستان و ارن هیستینگز^۴ بود و بر اثر تشویق آن نایب السلطنه فارسی دان در ادب فارسی تبحر یافت و عالم ایران شناسی بریتانیا دین بزرگی برگردن او دارد. یا چارلز ویل کینس^۵ متولد بسال ۱۷۴۹ میلادی (۱۱۶۳ هـ) و متوفی بسال ۱۸۳۶ میلادی (۱۲۵۲ هـ) که در زبانهای سانسکریت، عربی و فارسی استاد شد و با سر جان ملکم^۶ که چندین بار به سفارت، بدربار فتحعلیشاه قاجار آمد و یکی از نخستین پژوهشگران و مورخان است که در تألیف

- | | |
|--------------------|---------------------|
| 1- Haileybury | 2- Hertord |
| 3- Francis Gladwin | 4- Warren Hastings |
| 5- Charles Wilkins | 6- Sir John Malcolm |

تاریخ کشور ما از منابع فارسی و عربی و ترکی کمک و بهره گرفته است و یا شاگرد و دست پرورده وی سر هنری رالینسون^۱ یکی از نخستین ایران شناسانی است که موفق به کشف راز خط میخی گردید. عشق و علاقه این گونه افراد نه فقط مایه ترویج زبان و ادبیات فارسی در انگلستان شد بلکه موجبات تحصیل زبان فارسی و وسیله آشنائی مردم انگلیس را با جنبه‌های گوناگون هنر ایران فراهم آورد. برای مثال باید از یکی از نمایندگان شرکت هند شرقی در بغداد کلود یوس جیمس ریچ^۲ (متولد ۱۷۸۷ م و متوفی ۱۸۲۱ م برابر ۱۲۰۲ هـ تا ۱۲۳۷ هـ) نام ببریم که بر اثر بیماری وبا در شیراز درگذشت و همان جا بخاک سپرده شد. ریچ تمام عمرش را وقف فرا گرفتن زبانهای شرقی، به ویژه زبان فارسی و گردآوری دست نبشته‌های خطی کرد. حدود کوشش‌های خستگی ناپذیری را از آنجا میتوان قیاس گرفت که از ۲۵۰۰ نسخه خطی فارسی که امروزه در موزه بریتانیا در لندن مضبوط است ۸۰۰ نسخه را وی به کتابخانه موزه تقدیم کرده بود.

عشق و کوشش‌های بیگیر این گونه مردان بود که با نگارش سفرنامه یا ترجمه آثار ادبی و تاریخی اندک اندک فرهنگ ایران را در سراسر بریتانیا بلند آوازه ساختند، و علاقه مردمان عادی را به سفر در ایران و یا خواندن مطالبی درباره کشور، زبان، ادبیات، اخلاق، عادات و جنبه‌های گوناگون فرهنگ کشور ما برانگیختند. اینان کسانی مانند ویلیام اوزلی^۳

- | | |
|------------------------|------------------------|
| 1- Sir Henry Rawlinson | 2- Claudius James Rich |
| 3- William Ousley | |

رابرت کارپورتر^۱، لرد کورزن^۲ و ادوارد ایستویک^۳ بودند که این جا فقط به بردن نام آنان بسنده کرده ایم. اینک از خلال شرح حال داستان زندگی و خدمات چند تنی از پیشگامان این قافله نشان خواهیم داد که رشته ایران شناسی چگونه در بریتانیا آغاز شد و چسان راه تکامل پیمود.

1- Robert Ker Porter
3- Edward Eastwick

2- Lord Curzon

منابع و توضیحات فصل اول

۱- برای آگاهی بیشتری نگاه کنید به ص ۲۷۲ تا ۲۷۵ تاریخ تمدن ویل دورانت، جلد چهاردهم، زیر عنوان میراث قرون وسطی. ترجمه مؤلف این کتاب. برای جزئیات احوال اسکوتوس کتابهای فراوان وجود دارد، از آن جمله

G. Sarton

Introduction to the History of Science,

3 vols - Baltimore, 1930 .

DE WULF . M,

History of medieval Philosophy, 2 vols London, 1925 .

۲- ن . ک . به ص ۱۳۹ و ۱۴۰ تاریخ تمدن ویل دورانت - جلد چهاردهم . برای دانش پژوهانی که علاقه مند به اطلاعات زیادتری باشند بهترین منابع عبارتست از :

Sir Thomas Arnold .

A legacy of Islam Oxford 1931 .

Browne E. G.

Arabian Medicine . London, 1921 .

۳- پروفیسور دورانت علل و نتایج جنگهای صلیبی، کامیابی و شکست سپاهیان صلیبی را در شصت صفحه از کتاب خود تشریح کرده است. ن . ک به ص ۱ تا ۵۸ جلد سیزدهم تاریخ تمدن زیر عنوان اوج، مسیحیت، ترجمه مؤلف این کتاب. برای آگاهی بیشتر درباره این موضوع مؤلف مطالعه کتابهای زیرین را توصیه میکند :

LE STRANGE, G .

Palistine Under Moslems . Boston, 1890 .

Archer . T. A and Kingsford, C. L .

The Crusades . N . Y . 1895 .

S . Runciman .

A History of Crusades . 3 vol, London,
1951-4 .

۴- برای آگاهی بیشتر درین باره ن . ک . به صفحات ۳۱ تا ۳۸ کتاب
تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران نوشته مؤلف .
۵- ن . ک . به

ENGLISH NATIONAL BIOGRAPHY .

under Bedwell.

۶- ن . ک . به

A . J . Arberry, British Orientalists .

William Collins, London 1943 . P . 8 .

۷- ن . ک . به همان رساله صفحه ۹ .

فصل دوم

ترجمان سخنان خدا

آغاز زندگی جورج سیل - فراگرفتن عربی و فارسی - عشق وی
به دست نبشته‌ها - ترجمه قرآن - مقدمه بر قرآن - خطاهای سیل -
تأسیس انجمن تشویق دانش - مرگ سیل در ۱۷۳۶ م .

کوششهای جورج سیل در این رشته نسبتاً بکر مانند تحصیلات قضائی وی بی‌ثمر نماند زیرا در عرض چندسالی بقدری تبحر و احاطه در زبان عربی پیدا کرده بود که مورخ نامدار عهد ادوارد گیبون^۱ وی را «مترجمی امین و دانشمند، مردی نیمه مسلمان...» میخواند. درجه شهرت وی را از آنجا باید قیاس گرفت که فیلسوف فرانسوی هم عهدوی، ولتر^۲ ضمن مقاله‌ای که درباره قرآن در فرهنگ فلسفی خود نوشت بی‌آنکه جورج سیل را دیده و اطلاعی از زندگی وی داشته باشد معتقد بود که سیل ۲۵ سال در میان اعراب و یا بقدر مسلم نزدیکی شبه‌جزیره عربستان میزیسته است! حال آنکه جورج سیل در تمام عمرش هرگز یا از جزایر انگلستان بیرون ننهاده.

سال ۱۷۲۰ میلادی در واقع نقطه عطفی در زندگی جورج سیل جوان بود. در این سال انجمن اشاعه علم دین مسیح که مرکز اداریش دیوار بدیوار مدرسه حقوق قضائی لندن بود تصمیم به تهیه ترجمه عربی انجیل برای استفاده عیسویان سوریه گرفت. مشوق این مهم بطریق عیسوی انطاکیه بود و میدانیم که روحانی مزبور دانشمندی بنام سلیمان تقری دمشقی را به لندن فرستاد تا انجمن اشاعه علم دین مسیح را بکار ترجمه و چاپ انجیل تشویق کند. شاید بر حسب تصادف، میان سلیمان و سیل ملاقاتی روی داد و همین امر سبب گردید که سیل بفر گرفتن زبان عربی راغب گردد. بهر حال پر دور نیست که جورج سیل مقدمات صرف و نحو عربی را از سلیمان تقری دمشقی فرا گرفته باشد. اگر در این باره تردید داریم درباره هویت آموزگار بعدی وی جای شك نیست و میدانیم

جورج سیل^۱ دست پرورده عهدی است که محافل دانشگاهی انگلیس تدریجاً آگاهی به احوال مردم مشرق زمین و فرا گرفتن زبان عربی یا فارسی را وهنی نمی‌شمردند و دیگر با مکالی^۲ مورخ شهیر انگلیسی که سراسر ادبیات مشرق زمین را از لحاظ ارزش برابر با يك قفسه از کتابهای محققان و حکمای اروپائی دانسته بود هم عقیده نبودند. سیل بسال ۱۶۹۷ (۱۱۰۹ هـ) یعنی در آغاز سده هفدهم میلادی در لندن بجهان چشم گشود. پدرش یکی از بازرگانان مشهور شهر لندن بود. گمان میرود که جورج سیل تحصیلات مقدماتی خود را در نواحی جنوبی انگلستان گذرانیده باشد، بهر حال مسلم است که بسال ۱۷۲۰ میلادی (۱۱۳۳ هـ) در بیست و سه سالگی بفر گرفتن حقوق قضائی سرگرم و چند سالی پس از این تاریخ نیز یکی از وکلای حقوقی گردید. اما الفت وی بامر افعه مدعی و مدعی علیه و دشواریهای تهیه پرونده های حقوقی زودگذر بود و سیل سرخورده همه چیز را بخاطر فرا گرفتن رموز زبان عربی بکناری افکند

1 - Edward Gibbon

2 - Voltaire

1 - George Sale

2 - Macaulay

که سیل زبان عربی را نزد دادیکی^۱ یونانی اهل حلب که در تابستان سال ۱۷۲۳ میلادی وارد انگلیس شده بود تکمیل کرد. تا سه سال بعد از این تاریخ جورج سیل چنان عربی دان قابلی شده بود که انجمن مسیحی وی را به عنوان یکی از مصححان ترجمه عربی انجیل استخدام کرد. در همان سال وی به عضویت انجمن مزبور انتخاب و از این راه با چند تن از بزرگترین مردان عالم دین و هنر آشنا گردید: از آن جمله با جان وزلی^۲ سر حلقه اصلاح طلبان دین در انگلیس و سرهانس اسلون^۳ دانشمند و طبیعی دان بزرگی که وی را باید بانی موزه مشهور بریتانیا دانست.

جورج سیل دانش پژوه آزاده‌ای بی اعتنا به مال دنیا بود. دینزرائیلی^۴ نخست وزیر دانشمند عهد ویکتوریا در باره این خاورشناس بزرگ مینویسد:

وی در طول عمر خویش، به ویژه هنگامی که بفرافتن زبان و ادبیات عربی سرگرم بود در عین فقر و تنگدستی بسر میبرد. حتی پس از فراغت از دانشمندی اندوزی اکثر اوقات بسترش بی ملافه میماند و شکم گرسنه در خیابانهای لندن پرسه میزد تا مگر دوست مشفق را بیابد و در پرتو گشاده دستی وی سدجویی کند. * (۱)

دارائی وی هنگام مرگش مشتمل بر تعدادی از نسخه های دست-نوشته و مصور زیبای فارسی، عربی و ترکی میشد که به عقیده پاره‌ای از نویسندگان آنها را از اتباع مستمند کشور های مشرق زمین در لندن خریده بود.

1 - Dadichi 2 - John Wesley
3 - Sir Hans Sloan 4 - Disraeli

معیار اهمیت مقام جورج سیل ترجمه‌ای است که از قرآن مجید بزبان انگلیسی کرد و در واقع شهرتش نیز مدیون این کار بزرگ است. ترجمه وی برای نخستین بار در نوامبر سال ۱۷۳۴ (۱۱۴۷ هـ) در لندن منتشر گردید. سیل به سنت عهد خویش این ترجمه را به ولینعمت خویش لرد کارتھرت^۱ تقدیم کرده بود. در مقدمه ترجمه قرآن مجید، سیل بخوانندگان خود یادآور شده بود که این کار را با تأنی تمام در عرض مدتی نزدیک به ده سال در گرما گرم انجام کارهای پر درد سر روزانه انجام داده است. وی در بیان علت ترجمه قرآن بزبان انگلیسی چنین مینویسد:

چندین ترجمه از قرآن، کتاب آسمانی مسلمانان اکنون موجود است که در میان آنها فقط یکی، آنها تا اندازه‌ای مطابقت با معنی اصل دارد. از آنجا که این نسخه بزبان لاتینی بود ترجمه جدیدی از آن، دست کم برای خوانندگان انگلیسی زبان ضرورت داشت ... * (۲)

ترجمه لاتینی قرآن که جورج سیل به آن اشاره کرده بود و به احتمال کلی حین ترجمه خودش همواره به آن نظر داشت ثمره سالهای دراز و پرمراحت ماراچی^۲ ایتالیائی از نزدیکان پاپ اینوسان یازدهم^۳ بود. با آن که سیل ترجمه لاتینی ماراچی را می پسندید عقیده داشت که مقدمه ماراچی در رد آرای مسلمانان، برای قاطبه عالمان دین عیسی کفایت نمیکند، لذا خود در صدد تهیه مقدمه‌ای بر آمد تا نکات تاریک قرآن را برای خوانندگان خویش روشن سازد. * (۳) ترجمه وی بقدری اصیل و دقیق بود که تاکنون بهتر از آن در هیچ یک از زبانهای زنده

1- Lord Cartert 2- Marracci
3- Innocent XI

جهان دیده نشده است. یادآوری این نکته نیز خالی از فایده نیست که تنها ترجمه معتبر قرآن تا آن موقع به زبان انگلیسی، فقط ترجمه الکساندر راس^۱ آنهم از روی ترجمه فرانسوی آندره دو رایر^۲ بود که هر دو نسخه در پاریس و لندن بسال ۱۶۴۹ بچاپ رسید و نسخه انگلیسی ترجمه ناقصی از روی ترجمه پراشتباه فرانسوی بود.

اشتباهی که جورج سیل مرتکب گردید آن بود که بهنگام ترجمه سوره‌های قرآن رعایت آیه بندی را نکرد بطوری که گاهی آیات متعدد یک حزب در ترجمه‌اش بصورت یک یا چند جمله درآمده است. این عمل هم خواننده را حین مطابقت ترجمه واصل قرآن گمراه میکند، و هم از سلاست و زیبایی شاعرانه جمله‌هایی که بزرگترین فصیح‌های عرب آنرا «عجاز در سخن» نامیده‌اند میکاهد. بهر تقدیر ترجمه جورج سیل در عهدی که محققان انگلیسی زبان ذره‌ای اطلاع درباره کتاب آسمانی مسلمانان نداشتند کار ارزنده درخشانی شمرده شد، و رغبت قاطبه مردم کتابخوان بخواندن ترجمه قرآن چندانی زیاد بود که در خلال ۱۷۶۴ و ۱۸۰۱ یعنی در اثنای سی و شش سال ترجمه انگلیسی قرآن سدبار و پس از آن نیز هر چند سال یکبار تجدید چاپ شد. از آغاز سده نوزدهم تحول دیگری که بدنبال انتشار ترجمه جورج سیل روی داد چاپ برگزیده‌ای از سوره‌های قرآن و نوشته‌های نخستین مترجم انگلیسی آن بود. در ۱۷۴۶ میلادی، دوازده سال پس از انتشار ترجمه انگلیسی جورج سیل نسخه آلمانی آن بهمت توماس آرنولد نامی در شهر لیمگو^۳ بچاپ رسید و

1- Alexander Ross

2- Ander du Ryer

3- Lemgo

این نخستین بار بود که ترجمه سیل را اساس و مأخذ ترجمه قرآن یکی دیگر از زبانهای اروپائی قرار میدادند.

مقدمه جرج سیل بر ترجمه قرآن نه فقط نموداری از احاطه و اطلاع آن خاورشناس بر آثار محققان و دانشمندان اروپائی بلکه گواه بارزی از عشق آن دانش پژوه به تحقیق در پیرامون نظر ادبا، حکما و الهیون اسلامی است. این دیباچه مفصل که تاکنون دوبار بزبان فرانسه و خلاصه‌ای از آن بزبان لهستانی ترجمه گردیده است تا به امروز هنوز یکی از بهترین و دقیق‌ترین منابع برای کسب اطلاع پیرامون دین اسلام، پیشینه تاریخی، عادات، آداب و رسوم مردم عرب زبان بشمار میرود. با این همه نباید پنداشت که نوشته‌های سیل خالی از هرگونه نقض و غرض است. شاید در مقام مدافعه از آراء آن خاورشناس بتوان گفت که وی پرورده عهدی بود که هنوز تعصب مذهبی را بشدت تشویق میکرد، و در بسیاری از بحث‌های دانشگاهی اعتقادات مذهبی افراد سهم بسزائی داشت. با آن که وی در ترجمه متن قرآن همه جا از اصل پیروی کرده است گاهی بهنگام برابر نهادن ترجمه‌اش با اصل عربی تحریف‌هایی دیده میشود که بخشودنی نیست. مثلاً در یکی دو مورد که پیامبر اسلام خطاب به مردم آیه‌ای را با کلمات «یا ایها الناس» آغاز کرده است جورج سیل بدون توجه به رسالت جهانی محمد (ص) و امانت در پیروی از اصل ترجمه، آیه را با «ای مردم مکه» آغاز میکند و یا درجائی که قرآن در بیان قبول حق از جانب مردمانی که بدون استعانت حواس پنجگانه ایمان آورده‌اند جمله «یؤمنون بالغیب» را بکار میبرد، جورج سیل این تعبیر را تحریف کرده و بصورت «اسرار ایمان» در آورده است.

ترجمه قرآن بهمان اندازه که محافل دانشگاهی انگلستان را خوشحال کرد مایه کدورت و نگرانی خاطر انجمن مبلغان عیسوی لندن گردید. با آن که در این باره چیزی از کلك خود سیل بجانمانده است اما میتوان چنین استنباط کرد که عالمان خشک مقدس انجمن، ترجمه کتاب مقدس قومی دیگر را دلیل بر سست اعتقادی مترجم عربی انجیل دانسته بودند. ظاهراً از این رهگذر غبار غمی بر لوح ضمیر جورج سیل نشست و اگر وی از رفتار نکوهیده انجمن مزبور رنجیده خاطر گشت این دل آزرده‌گی را با ایجاد انجمن چاپ و انتشاراتی بنام **انجمن تشویق دانش** که بسیاری از اعیان و اعیان زادگان و برخی از برانده‌ترین ادبای عهد در آن شرکت داشتند جبران کرد. کمیته کارگزاری این انجمن که همه هفته در لندن با حضور جورج سیل تشکیل میشد کتابهایی را که نویسندگان ارائه داده بودند مورد بررسی قرار میداد و تصمیم میگرفت که کدامین اثر باید به هزینه انجمن بچاپ برسد و با چه بهائی در دسترس علاقه‌مندان گذاشته شود. از آنجا که غرض این سازمان نفع شخصی نبود همین که هزینه چاپ و تجلید و انتشار يك کتاب از محل فروش آن تأمین میگردد کلیه حقوق اثر مزبور به مؤلف تعلق می‌گرفت.

جورج سیل هنوز پا به آستان چهل سالگی ننهاده در سیزدهم نوامبر ۱۷۳۶ میلادی در لندن درگذشت و جسدش را در کلیسای سنت کلمنت دینس^۱ بخاک سپردند. پس از مرگش انجمن عیسوی به پاس خدماتی که در راه ترجمه انجیل متقبل شده بود سالانه مبلغ بیست لیره مستمری برای زن و فرزندان^۲ش تعیین نمود. سیل از خود هفت فرزند

1- St. Clement Danes

و تعدادی کتابهای دست نبشته فارسی، عربی و ترکی بجا نهاد. این مجموعه که بالغ بر ۸۶ مجلد میشد بهمت پرفسور **توماس هنت**^۱ از استادان دانشگاه آگسفورد خریداری شد و اکنون تمامی آن نسخه‌ها در کتابخانه **بادلیان**^۲ آگسفورد نگهداری میشود.

1- Prof. Thomas Hunt

2- Bodleian

منابع و توضیحات فصل دوم

۱- نقل از نوشته‌های دیزرائیلی در کتاب

MISCELLANY of Literature. London, 1853 - P, 130 .

۲- نقل از صفحه هفت مقدمه جورج سیل بر نخستین چاپ ترجمه قرآن

از انتشارات

FREDERICK WARNE and CO London and New York.

۳- در نخستین چاپ که نسخه‌ای از آن در کتابخانه مؤلف موجود است

علاوه بر دیباچه‌ای مشتمل بر ده صفحه که خطاب به خواننده است جورج سیل

مقدمه بسیار جامع ، دقیق و فاضلانه‌ای در ۱۴۵ صفحه با نضمام حواشی و تعلیقات

بسیار دارد .

برای جزئیات احوال و عقاید جورج سیل ن - ك - به :

1 - Davenport's sketch of the life of George Sale.

2 - Books of the Society for the Promotion of Christian Knowledge .

3 - ManuseiptNotes by Rev, H.S. Penington. 1734 edition of The Koran by G. Sale.

فصل سوم

ویلیام جونز مشهور به جونز ایرانی

تکمیل زبان یونانی و لاتین - فراگرفتن عربی - آشنائی با کتاب

دستور زبان فارسی و گلستان - ترجمه جهان‌نگشای نادری بدفرانسه - نشر

شش رساله در تفسیر شعر و ادب آسیائی - آشنائی با رویچ‌کی و اشعار

حافظ - نگارش دستور زبان فارسی (۱۷۷۱ م) - روش جونز در تدریس

گلستان - نخستین ترجمه ابیات شاهنامه به لاتین - ترجمه سیزده غزل

حافظ - تاسیس انجمن تحقیقات آسیائی بنگاله - چاپ کتابهای فارسی

در کلکته و بمبئی - مرگ جونز در چهل و هفت سالگی.